

# فساد که شاخ و دم ندارد!!!

ادعای وجود فساد در فوتبال با اظهار نظر برخی از بزرگان این رشته در روزهای اخیر وارد فاز تازه ای شده است. فساد در فوتبال و ابعاد مختلف آن را می توان در سطح جامعه دید و مشاهده کرد.

موضعگیری های شدیدی که در روزهای اخیر توسط برخی از صاحبان اصلی فوتبال کشور چون علی دایی، خداد عزیز و علی کریمی اتخاذ شده تایید کننده این ادعا که فساد در فوتبال ما ریشه دوانیده است می باشد.

اگر در فوتبال فساد حاکم است پس چرا توسط دست اندرکاران مربوطه در جهت مقابله با آن اقدام هایی که بتواند برای همیشه فوتبال را از دام آن نجات بدهد انجام نمی پذیرد؟ اگر فساد در فوتبال بیداد می کند چرا تا این مساله در سطح گسترده ای مطرح می شود چند روزی فضای ورزش را تحت الشعاع قرار می دهد و بعد از آن اصل و فرع قضیه به فراموشی سپرده می شود؟

تا بحثی از فساد در فوتبال به میان می آید بیشتر مسایل مالی در ذهن ها خطور می کند. اگر معانی فساد و انواع آن مورد بررسی دقیق قرار بگیرد مصادیق متعددی برای آن می توان ذکر کرد.

برای فساد تعاریف مختلفی ذکر شده است ولی به طور کلی می توان گفت که هر نوع ستم، گناه، کج روی، هدر دادن منابع و زیان رساندن به دیگران می تواند فساد تلقی شود. در تفسیر نمونه آمده است که تمام نابسامانی ها و همه افراط و تفریط ها، گونه ای از فساد می باشد.

برای فساد مصادیق زیادی می توان ذکر کرد. باند بازی، اختلاس، رشاء، رانت خواری و آشناپرویی از مهم ترین مصادیقی است که می توان در این ارتباط از آنها نام برد.

توجه به این مصادیق و مطالعه سرنوشت فوتبال در اقصی نقاط کشور نشان خواهد داد که چگونه فوتبال ما در دریایی از فساد غوطه خورده است. چرا برای پایان دادن به این وضعیت، اراده ای محکم و قوی در بین مسؤولین مربوطه مشاهده نمی شود؟

از میان همه مصادیق ذکر شده اگر مصداق باند بازی در زیر ذره بین قرار بگیرد سرنخ های بسیار روشن کننده ای از چگونگی رشد و توسعه این بیماری به دست می آید.

آیا این فساد نیست که به غیر از افراد حلقه به کس دیگری اجازه برای نزدیک شدن به تشکیلات ندهند؟ آیا تفسیر بند بند اساسنامه در راه تامین خواست های باندی و گروهی نمی تواند فساد تلقی بشود؟ آیا تلاش و زمینه سازی برای حفظ وضعیت موجود و ممانعت از هر گونه نوآوری و ورود چهره های جدید به صحنه فوتبال و سنگ اندازی در مقابل کسانی که به قصد خدمت به جوانان قدم پیش گذاشته و اعلام آمادگی می کنند فساد نمی تواند باشد؟

عوامل زیادی را می توان در به وجود آمدن و رشد فساد در فوتبال و ورزش مؤثر دانست. احساس عدم بازخواست یکی از آن عواملی است که می تواند در ایجاد فساد نقش داشته باشد. زمانی که مسؤولی به وجود کج رفتاری و باندبازی و وارونه جلوه دادن حقایق در مجموعه تحت مدیریتش آگاه باشد و هیچ برخوردی با مسببان و عوامل این وضعیت به عمل نیاید در عمل به نوعی این حرکت ها را تایید کرده و خیال عوامل را برای ادامه دار کردن وضعیت امیدوار و دلگرم می کند.

در جریان سفر رئیس فدراسیون به استان وقتی در جریان نامه فدراسیون مبنی بر دوم شدن هیات فوتبال استان در سطح کشور قرار گرفت تعجب کرد و به صراحت گفت امکان چنین امری وجود ندارد ولی زمانی که با مدارک کافی مواجه شد خنده ای تلخ بر روی لبانش نشست. انتظار این بود که وی برای این که پرونده چنین اقدامات سؤال برنگیزد و فساد گستر را برای همیشه در فدراسیون ببندد با عوامل تهیه و امضاء و ارسال نامه برخورد شدید بکند ولی متأسفانه در عمل چنین نشد و تا از طریق فرودگاه ، آسمان اردبیل را ترک کرد همه تعجب ها و خنده های تلخ را فراموش نمود.

فساد در همه زمینه های فوتبال ریشه دوانیده است. آشکار شدن هرچه بیشتر زوایای مختلف آن حاصلی جز بدبینی مردم به فوتبال و دست اندرکاران آن نخواهد داشت.

برای آن که فوتبال بتواند در نزدیکی دل ها و گستردن فضای امید و یک رنگی به خوبی عمل نماید باید همه کسانی که در قبال این رشته زیبای ورزشی احساس مسؤولیت می کنند از رشد و توسعه و گسترش همه عواملی که می توانند در ایجاد فساد دستی در آتش داشته باشند جلوگیری کنند و به معنای واقعی کلمه در ریشه کن کردن فساد و مبارزه با مصادیق آن عمل نمایند.